

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی حجیت ظواهر در خصوص مقصودین بالافهام و دیگران

بیان مرحوم میرزای قمی

امر دوم در بحث حجیت ظواهر، نظریه‌ای است که مرحوم میرزای قمی (رض) دارند. ایشان فرموده‌اند: ظواهر برای کسی که مقصود بالافهام است حجیت دارد و کسی که مقصود بالافهام نیست، ظاهر برای او حجیت ندارد. برای روشن شدن نظریه مرحوم میرزا، باید این نکته را مقدمتاً بیان کنیم که وقتی کلامی از متکلمی صادر می‌شود، دو حالت دارد: يك: این که مقصود متکلم افهام شخص خاص یا اشخاص معینی نیست، بلکه کلامی که از او صادر می‌شود، مقصودش این است که هر کسی این کلام را بشنود یا هر کسی که این کلام را ببیند، مقصود بالافهام او هستند؛ مثل تألیف کتاب، تمام آنچه که مؤلف در کتابش می‌نویسد، مقصود این است که هر کسی که این کتاب را می‌خواند، برای او قصد تفهیم دارد؛ تمام آنچه که به عنوان وصایا و اقاریر و اوقاف و وقف نامه وجود دارد، تماماً از این سنخ است که گوینده و یا نویسنده قصد افهام به شخص یا اشخاص معینی را ندارد. در چنین موردی، هیچ کس نزاع ندارد - حتی مرحوم میرزا - در این که مطالب کتاب و اقاریر و ... برای همه حجیت و اعتبار دارد.

دو: مورد دوم که در آن نزاع هست، این که گوینده و متکلم افهام شخص یا اشخاص معینی را در نظر دارد؛ آیا در اینجا ظاهر کلام گوینده فقط برای شخصی که افهام او قصد شده، حجیت دارد، یا این که دیگران نیز که قصد افهام آنها نشده است نیز می‌توانند به این کلام اخذ کنند و برای آنها نیز کلام متکلم حجت است؛ مثلاً شخصی در حضور دیگری می‌گوید من دارم پیش تو اقرار می‌کنم - و قصدش این است که فقط به او بگوید - که فلانی هزار تومان از من می‌خواهد؛ حال اگر شخص دیگری نیز از وراء الجدار این مطلب را می‌شنود ولی گوینده فقط به شخص داخل اتاق تفهیم می‌کند و گاه نیز تصریح می‌کند که می‌خواهم تو بدانی و کسی دیگری نداند. آیا کسی که پشت دیوار است، می‌تواند به ظاهر کلام متکلم اخذ کند و این ظاهر برای او نیز حجیت دارد، و او می‌تواند بعداً برود شهادت بدهد که فلانی اقرار به این معنا کرده است یا حجیت ندارد؟ اینجا محل کلام است. مرحوم میرزای قمی در چنین موردی می‌فرماید ظواهر کلام در جایی که قصد تفهیم يك شخص و یا اشخاص معین شده، فقط برای خصوص آن شخص یا اشخاص حجیت دارد و برای دیگری حجیت ندارد. لذا، ایشان این تفصیل را بیان کردند، و مرحوم محقق نائینی در کتاب فوائد می‌فرماید: این تفصیل میرزای قمی از تفصیلی که بعداً در امر سوم بیان می‌کنیم مبنی بر این که اخباری‌ها بین ظاهر کتاب و ظاهر روایات تفصیل داده‌اند، اقرب به واقع است. این مدعای مرحوم میرزای قمی است.

تحلیل کلام مرحوم میرزای قمی

هنگامی که این مدعای مرحوم میرزا وقتی را تحلیل می‌کنیم و به دنبال دلیلش می‌گردیم، می‌بینیم مرحوم شیخ انصاری اعلی الله مقامه در کتاب **رسائل** کلام مرحوم میرزا را نقل کرده، ابتدا آن را توجیه و بعد هم رد فرموده است. اصل کلام میرزا با توجیه آن بر می‌گردد به این که مرحوم میرزا هم می‌خواهد منع کبری کند و هم از کلامش منع صغری استفاده می‌شود؛ منع کبری یعنی می‌فرماید ظواهر برای غیر مقصودین بالافهام حجیت ندارد؛ منع صغری نیز مراد این است که می‌خواهد بگوید اصلاً ظهوری برای کلام در مورد غیر مقصود بالافهام منع نمی‌شود. حالا ببینیم دلیل مرحوم میرزا در هر دو مورد چیست و پس از آن جوابشان را نیز ذکر می‌کنیم. اما از قبل بیان دلیل مرحوم میرزا، این نکته را نیز تذکر دهیم که علاوه بر تفصیل ایشان، نتیجه‌ای نیز از آن اخذ می‌کند. ایشان نتیجه می‌گیرند که تمام خطابات شفاهیه در قرآن کریم مختص به مشافهین است و ظواهر آنها برای غیر مشافهین حجیت ندارد. در روایات ائمه (ع) چون غالباً سائل سؤالی را طرح کرده و امام (ع) نیز در مقام جواب سؤال سائل بوده و سائل مقصود بالافهام بوده، نتیجه این می‌شود که کلمات ائمه در این موارد فقط برای مقصود بالافهام که سائل است، حجیت دارد. لیکن گویا کسی به مرحوم میرزا می‌گوید در این صورت ما باید قرآن و سنت را کنار بگذاریم؛ چرا که ما در این زمان هستیم و در آن زمان مقصود بالافهام نبودیم.

ایشان در جواب می‌فرماید: قرآن و سنت برای ما از راه ظن مطلق اعتبار دارد؛ یعنی وقتی خطابات شفاهیه را می‌بینیم، برای ما هم ظن مطلق حادث می‌شود؛ وقتی جواب‌های ائمه (ع) در این روایات را می‌بینیم برای ما ظن مطلق حاصل می‌شود؛ و از این جهت برای ما حجت هست. وقتی مرحوم میرزا می‌گوید ظواهر فقط برای مقصودین بالافهام حجیت دارد، نتیجه این می‌شود که باب علمی مُنسد می‌شود؛ و وقتی باب علمی منسد شد، ظواهر کتاب و ظواهر روایات از باب ظن مطلق و دلیل انسداد حجت می‌شوند. پس، ما محل نزاع را ذکر کردیم؛ تفصیل مرحوم میرزا را هم بیان کردیم؛ نتیجه‌ای هم ایشان بر این تفصیل مترتب کرده را نیز عنوان کردیم و تمام اینها باید مورد بحث قرار بگیرد.

دلیل مرحوم میرزای قمی در مورد عدم حجیت ظواهر نسبت به غیر مقصودین بالافهام

اما ابتدا ببینیم که ایشان در منع کبری، چه دلیلی دارد بر این که ظواهر نسبت به غیر مقصودین بالافهام حجیت ندارد. ایشان می‌فرماید: اول بررسی کنیم جایی که يك متکلم است و يك مخاطب، ببینیم متکلم که مخاطب را مورد خطاب قرار می‌دهد و او مقصود بالافهام است، در رابطه با یکدیگر چه می‌کنند؟ هنگامی که مخاطب می‌بیند که متکلم کلامی را صادر کرده است و قرینه بر خلاف نیز نیآورده است، اینجا کلام متکلم در معنای ظهور دارد، مخاطب نیز این مقدار را یقین دارد؛ مثلاً متکلم گفته است: «**رأيت أسداً**» این کلام ظهور در حیوان مفترس دارد؛ مخاطب هم یقین دارد که متکلم قرینه‌ای بر خلاف نیآورده است، با این وجود، احتمال اراده خلاف ظاهر را می‌دهد و می‌گوید شاید متکلم این ظاهر را اراده نکرده باشد و منظورش رجل شجاع باشد، و در اینجا فراموش کرده است که قرینه ذکر کند و از این مسأله غفلت کرده است؛ وقتی مخاطب چنین احتمالی می‌دهد باید اصالة عدم الغفلة را جاری کند و بگوید متکلم در این عبارت ظاهر کلام را اراده کرده است.

همین اصل نسبت به خود مخاطب هم جاری می‌شود؛ یعنی می‌گوید شاید هم متکلم قرینه آورده باشد اما من غفلت کرده باشم و آن را نشنیده باشم؛ در اینجا نیز اصل عدم الغفلة را در مورد خودش جاری می‌کند. بنابراین، مخاطب با اجرای این اصل هم در حق متکلم و هم در حق خودش، به این نتیجه می‌رسد که کلام متکلم ظاهر دارد و این ظاهر نیز حجت است. مرحوم میرزا می‌گوید برای حمل کلام بر ظاهرش و این که بگوییم متکلم اراده ظاهر کرده است، اگر مسئله منحصر به اصالة عدم الغفلة بود،

مخاطب می‌تواند اصالة عدم الغفلة را جاری کند؛ در حالی که برای احتمال اراده‌ی خلاف ظاهر، شخص ثالث جهات دیگری نیز در ذهنش می‌آید؛ مثلاً کسی که من وراء الجدار است و این دو نفر را نمی‌بیند، می‌گوید ممکن است بین اینها قرینه‌ی حالیه‌ای بوده باشد و من متوجه آن نشده باشم؛ ممکن است قرینه منفصله‌ای بوده باشد و من متوجه نشده باشم. با اصالة عدم الغفلة این احتمالات دفع نمی‌شود. بنابراین، غیر مقصود بالافهام نمی‌تواند اصالة عدم الغفلة را جاری کند و آن احتمالات باقی می‌ماند.

ذکر یک اشکال و جواب

در اینجا مرحوم میرزا يك ان قلتی را ذکر می‌کنند و از آن جواب می‌دهند. اشکال این است که غیر مقصود بالافهام در اینجا بیايد اصالة الظهور را جاری کند و نه اصالة عدم الغفلة را؛ کسی که وراء الجدار است، شك می‌کند که آیا این کلام که ظهور در فلان معنا دارد، آیا این ظهور مراد جدی متکلم هست یا نه؟ در اینجا اصالة الظهور را جاری می‌کند و دیگر نیازی به اجرای اصالة عدم الغفلة نیست که شما اشکال کنید در اینجا جاری نمی‌شود. مرحوم میرزا در جواب می‌فرماید: اصالة الظهور یا بگوئیم اصالة عدم القرينة این در جایی جریان پیدا می‌کند که عادت متکلم بر آوردن قرینه منفصله نباشد؛ اما اگر عادت متکلمی بر این است که کلامی را می‌گوید و دو روز بعد یا يك ماه بعد و یا يك سال بعد قرینه‌اش را ذکر می‌کند، اینجا دیگر اصالة الظهور جریان ندارد. پس، نسبت به جایی که عادت متکلم بر این است که قرینه را به صورت منفصل ذکر کند، اصالة عدم القرينة یا اصالة الظهور جریان ندارد. و اتفاقاً روش ائمه معصومین (ع) همینطور بوده است؛ امامی کلامی را بیان می‌فرموده و قرینه بر خلاف آن در کلام امام دیگری می‌آمد. بنابراین، نمی‌توانیم در اینجا اصالة الظهور را جاری کنیم. نتیجه آن که مرحوم میرزا در رابطه با منع کبری می‌فرماید غیر مقصود بالافهام نمی‌تواند اصالة عدم الغفلة و اصالة الظهور را جاری کند و بنابراین، کلام متکلم برای غیر مقصود بالافهام حجیت ندارد.

دلیل مرحوم میرزای قمی در مورد عدم انعقاد ظهور کلام برای غیر مقصودین بالافهام

اما راجع به منع صغری، که بگوئیم اصلاً ظهوری برای کلام نسبت به غیر مقصود بالافهام منعقد نمی‌شود. دلیلی که مرحوم میرزا می‌آورند این است که می‌فرمایند: این اخباری که از ائمه طاهرين (ع) به ما رسیده، اینطور نیست که به همان نحوی باشد که امام (ع) در آن جلسه بیان فرموده باشد؛ بلکه اینها مقطعه به ما رسیده است؛ یعنی راوی قسمتی از آن را گفته و راوی بعد قسمت دیگرش را گفته است؛ یا وقتی این روایت به نحو کامل و جامع آمده است، این محدث در باب صلاة يك مقدارش را آورده است و مقدار دیگرش را در باب طهارت ذکر کرده است. بنابراین، تمامی روایات کتب حدیثی موجود در نزد ما مقطعه است. نتیجه‌ای که از این مطلب می‌گیرند، این است که می‌فرماید: ممکن است که در قطعه دوم، قطعه سوم، قطعه چهارم و پنجم چیزی باشد که صلاحیت برای قرینیت داشته باشد، و چون راوی آن را الآن ذکر نکرده، ما نیز نمی‌توانیم بفهمیم مراد امام (ع) چیست؟

اگر فقط قطعه اول بود و چیز دیگری نبود، می‌گفتیم چون قرینه‌ای همراه این نیست، پس آن را حمل بر ظاهرش کنیم؛ اما امام (ع) قرینه را فرموده منتها در قطعه چهارم، قرینه بر قطعه اول را ذکر کرده است. اگر هم کسی اشکال کند که در اینجا شك می‌کنیم بر این که قرینه‌ای امام (ع) آورده است یا نه، اصل عدم قرینه را جاری می‌کنیم. جواب این است که اصل عدم قرینه در اینجا جریان ندارد؛ چرا که - این را در رسائل هم خواندید - اصالة عدم القرينة در جایی جریان دارد که در اصل وجود قرینه شك کنیم، ندانیم اصلاً قرینه‌ای موجود هست یا نیست، اما اگر در قرینیت موجود شك کنیم و نه در وجود قرینه، می‌گوئیم امام (ع) چیزی را فرموده که صلاحیت قرینیت دارد، اما نمی‌دانیم به عنوان قرینه بر آن اعتماد کرده است یا نه، در اینجا اصالة عدم

القرینه جریان ندارد. پس، مرحوم میرزا می‌فرماید اصالة عدم القرینه در اینجا جاری نیست. مرحوم میرزا سپس بعد از ذکر این دلائل نتیجه می‌گیرند که خطابات شفاهیه قرآن و سنت، - که در سنت هر جا سائل سؤالی کرده و امام(ع) جواب او را داده است، - از باب ظن خاص برای ما حجت نیستند؛ بله، از راه ظن مطلق می‌توانیم بگوییم اینها اعتبار دارند. البته این بیان مرحوم میرزای قمی گاه در برخی از کتب اصولی به درستی روشن نشده است که ما به طور کامل گفتیم؛ جواب کلام مرحوم میرزا را انشاءالله فردا عرض می‌کنیم.